

بازخوانی اولین جنگ سینمایی در سال ۱۳۵۹

جنگ قدرت بر سر سینمای بی فیلم



حسان زیور عالم

در قسمت پیشین بایگانی روایت کردیم چگونه در ابتدای شکل گیری دولت پساانقلابی، میان معاونت سینمایی وقت، یعنی محمدعلی نجفی و سازمان تازه تاسیس بنیاد هنری مستضعفان جنگی در حوزه فعالیت سینمایی شکل گرفته بود. جنگی که محمدعلی نجفی را وا داشته بود بابت دخالت‌های این بنیاد، استعفا دهد و اگر چه رفتنش مدام به تأخیر می افتاد اما تحركات بنیاد، تنها کارگردان صدرصد اسلام گرای آن روزها را بیش از پیش نسبت به ترک پست و مقامش ترغیب می کرد. به خصوص آنکه آرزوی تبدیل کردن نماینده «سربردار» به یک سریال تلویزیونی بیش از گذشته ممکن شده بود و نجفی می توانست قید میز را بزند تا در قید دوربین بند شود، اما جدال قطب‌های شکل گرفته در آستانه استعفا نجفی تمام نشده بود. شاید نخستین سمینار سینمایی پساانقلاب، سمیناری در پی ناهمخوانی دو نهاد باشد. سمیناری جهت بررسی مشکلات سینما با حضور نمایندگان از وزارت کار، آموزش و پرورش، جامعه روحانیت، انجمن اسلامی دانشجویان، جهاد سازندگی، اداره سیاسی ایدئولوژیک نیروهای سه گانه، صداوسیما و نماینده موقت دفتر تبلیغات امام در قم. اما خبری از بنیاد هنری مستضعفان به عنوان مهم ترین تهیه کننده و مالک سینمای آن روزهای سینما نیست. بنیاد سمینار را تحریم می کند! سمیناری که قرار بود مشکلات را حل کند، بدل به آتش بار متقابل می شود. با عدم حضور مهم ترین مالک سینماهای کشور، نجفی طی نامه‌ای به انجمن سینماداران، به تاریخ دوشنبه دوم تیرماه ۵۸، دستور تعطیلی سینماها را صادر می کند.

در نامه نجفی می توان میزان خشم و غضب او نسبت به رویه بنیاد هنری مستضعفان را درک کرد، وقتی می نویسد: «از آنجا که دخالت ارگان‌های غیرمسئول و فرصت طلب در کلیه شئون سینمایی کشور امکان هرگونه برنامه اصولی و بنیادی را از این اداره سلب نموده است و با ایجاد جو عدم امنیت شغلی و حرفه‌ای موجبات تعطیل تولید داخلی را فراهم کرده است، نجفی مدعی می شود رویه بنیاد به سوی وابسته کردن سینماها به فیلم‌های خارجی است و با این وضعیت ضابطه مندندی سینما از میان می رود. نجفی به لاف کلیشه پروانه‌ها، امور را به رئیس شهر مرتب دست و بکنی بنی صدر محول می کند. جالب آنکه انجمن سینماداران تعطیلی را تصویب می کند و رضا انوری با روزنامه کیهان در این باره مصاحبه هم می کند. انوری رتک از نجفی حرف می زند و می گوید «مدت‌هاست که بنیاد هنری مستضعفان که اداره سینماهای مصادره شده را به عهده دارد با دخالت در امور سایر سینماها و هجوم و تعطیل آنها از ادامه کار سینماها مانعت به عمل می آورد.» این حرف انوری را باید با اتفاقات اخیر در سینماهای چند شهر مرتب دانست و به نظر می رسد او بنیاد را به دست داشتن در آتش سوزی و خرابکاری در سینماها متهم می کند. اگر تصور کنیم بنیاد واکنش ملایمی به این رویداد نشان می دهد کاملا در اشتباهیم. بنیاد هنری مستضعفان اعلام می کند سینماهایش در این ایام میزبان مخاطبان سینماست و از یک جمله جالب توجه هم بهره می برد؛ «از کارگران متعهد و مسلمان سینماهای ما خواهد که در بازنگه داشتن سینماها کوشش خود را مبدول دارند.»

در وضعیتی که قرار نیست کسی پا پس بکشد، نجفی به سراغ حسن حبیبی، وزیر فرهنگ و آموزش عالی وقت می رود تا بنی صدر را اقناع کند در این غائله دخالت کند. حبیبی نامه‌ای برای بنی صدر می نگارد و از او درباره اداره سینماها، تولید محصولات داخلی، دادن مجوز به فیلم‌های خارجی و ضوابط کنترل کردن سینماها پرسش می کند. این نامه با حمایت انجمن‌های هنری سینماگران همراه می شود تا حداقل فشاری نشود اما صفی سینما بیشتر با نجفی همراهی می کند تا نهادی تازه متولد شده.

هشت روز از تعطیلی سینماها می گذرد. صادق طباطبایی که هنوز در هرم قدرت نقشی دارد در گفت‌وگویی از جلسات صورت گرفته می گوید و اعلام می کند از جانب حبیبی مسئول حل و فصل این نزاع سینمایی شده است. نجفی نیز طی نامه‌ای به مأموریت طباطبایی رسمیت می بخشد. با آمدن طباطبایی پس از ۹ روز در سینماها دوباره باز می شود. نجفی در گفت‌وگویی اعلام می کند با مأمور شدن طباطبایی «از این پس سینماها منحصرآزیر نظر اداره فرهنگ و هنر کار خود را ادامه می دهند و هیچ مرجع و نهادی حق دخالت در کار فیلم و سینما را نخواهد داشت.» اما نجفی پروانه‌های لغوشده را احیا نمی کند و می گوید تنها فیلم‌های روی پرده وارد پروانه نمایش هستند اما تصور پایان جنگ اشتباه است.

درستانی، نماینده امام در دفتر تبلیغات قم، نامه‌ای به صادق طباطبایی می زند و می گوید در قطعه‌نامه سمینار بررسی مسائل و مشکلات سینما، تصمیم بر آن بوده که

«پرواز در قفس»، اثری رومنو و ژولیتس وار، محصول پیشاانقلابی بود که گذرش به پرده پساانقلاب افتاده بود. فیلم ساخته حبیب کاوش روایت رباب، کلکنتی است که د خترش به پسر صاحبکارش علاقه مند است. دختر و پسر توسط زاندارها گرفتار می شوند و سعادت، صاحبکار پس از ضمانت هردو، پسرش را از ادامه رابطه منع می کند و برای جلوگیری از رابطه آنها دو نفر را مأور می کند. اما رابطه ادامه می یابد و دو جوان تصمیم می گیرند از خانه بگریزند. آن دو قبل از حرکت از غذاهای آلوده به سمی می خورند که مادر پسر به سگ‌های ولگرد محله می خوراند. زوج عاشق بالای چرخ و فلک در کنار هم جان می دهند.

هر دو کارگردان فیلم‌های مذکور بعدها از چهره‌های شاخص سینمای پساانقلاب می شوند، به خصوص حبیب کاوش که سه سال بعد با دادشاه، یکی از بلاک باسترهای سینمای ایران را با کمک نیروهای انقلابی می سازد. با این حال مصاحبه‌شونده معتقد است سازندگان این دو فیلم تاجران سینمایند و این قانون منفعتی می برند درحالی که «این کار باید به عهده افراد مومن و متعهدی که نیاز جامعه ما و محتوای انقلاب ما را درک کرده‌اند، واگذار شود.» بحث دیگر در اختلاف اجبار و اصرار متولی بنیاد بر ایجاد نظام نظارت و سانسور است. او فیلم‌های روی پرده را مبتذل می داند و می گوید در فقدان نظارت «اخیرا فیلمی به نام «عبور از جهنم» پروانه نمایش گرفت و به پرده آمد که فیلمی بود آمریکایی و محتوای آن در جهت توجیه کودکانی است که آمریکا در کشورهای مختلف انجام می دهد.» این حرف زمانی گفته می شود که ایران با پدیده کودکان نوزده روزه رو به روبرو بوده است اما آیا واقعا فیلم مذکور همینی بود که

مطلبی با عنوان «بنیاد هنری مستضعفان: تولید مجدد فیلم سینمایی به زودی شروع می شود، منتشر می کند. با نجفی یک توطئه بوده است. فراتر از اینها او می گوید باید هیات‌های برای بازبینی و صدور پروانه نمایش زیر نظر کمیته برگزار می شود. پدید آید. یک نکته جالب تر آنکه اردستانی اعلام می کند سمینار حامی رفتار خلخالی در توقیف فیلم «قیصر» است. بند دیگری از نامه دستور تشکیل بنیاد سینمایی جمهوری اسلامی ایران به قصد ایجاد صنعت سینما در کشور، انحلال دفاتر سینمایی در وزارتخانه‌ها، انحصار مالکیت ابزار سینمایی برای دولت، واگذاری سال‌های مصادره‌ای به بنیاد سینمایی، دادن حق واردات و حتی حق انحصاری واردات مواد خام سینمایی و از همه مهم تر نظارت و ارزشیابی آثار تولیدی به چشم می خورد. چندی نمی گذرد که سمیناری تحریم شده توسط بنیاد هنری مستضعفان، مورد توجه بنیاد قرار می گیرد. گروه‌های شرکت کننده بی واکنش از کنارش می گذرند اما بنیاد هنری مستضعفان نتیجه چنین سمیناری را رد می کند. در چنین وضعیتی طباطبایی می فهمد کاری از دستش بر نمی آید و با بیان آنکه در روزهای آینده اقداماتی خواهد کرد خود را از چرخه لجاجت خارج می کند. نجفی نیز از تک‌وتا می افتد و بنیاد هنری مستضعفان دامنه فعالیت خودش را گسترش می دهد. ۲۳ مرداد ۱۳۵۹ محمدعلی نجفی بار روزنامه کیهان گفت وگویی مفصلی می کند و تصویری از وضعیت آن روز سینمای ایران ارائه می دهد که شاید امروز رنگ و بوی سیاه‌نمایی بدهد. او درباره وضعیت سینمای ایران در میانه سال ۱۳۵۹ می گوید «همان‌طور که بود، هست. نه فیلمی تولید می شود و نه کسی اشتیاقی نسبت به آن نشان می دهد. نجفی معتقد است با وضعیت شکل گرفته امنیت شغلی وجود ندارد و پولی هم برای سرمایه گذاری در حوزه سینما وجود ندارد. البته او از ممنوعیت واردات فیلم خارجی، مصوبه خودش دفاع می کند که قصد از این کار «بیشتر یاری‌رسانی به صنعت فیلمسازی کشور بود، چیزی که حالا پس از چهار دهه به مثابه پاشنه آشیل بریزش مخاطب از آن یاد می شود. او عامل عدم موفقیت ایده‌هایش را، دخالت افراد غیرمسئول و اعمال قدرت‌شان، برمی شمرد و البته اذعان می کند راه نجات سینما آن است که «باید دست افراد و ارگان‌های غیرمسئول را از سر آن کوتاه کرد و بعد به اجرای طرح‌ها و برنامه‌ها پرداخت.» در نظر داشته باشیم این جملات زمانی بیان می شود که خبری از حوزه هنری یا سازمانی مثل او ج نیست.

سه روز از این مصاحبه نمی گذرد که رضا انوری، رئیس هیات مدیره انجمن سینماداران با مدرکی از سوی واحد تحقیق بنیاد دستگیر می شود. همه چیز به سوی اعراب مخالفان بنیاد پیش می رود. حبیبی در مقام وزیر فرهنگ سکوت می کند. رضا انوری آدم کوچکی نبود. او صاحب درابوین سینمای ونک بود، مکانی که به هر روی تصویری از یک وضعیت پیشاانقلابی ارائه می داد. او مالک سینماهای پارامونت و سسینه موند در ابتدای خیابان تخت جمشید (طالقانی کنونی) تهران هم بود که بعدها به مصادره بنیاد درمی آید. گویی با اختیارات انقلابی موجود می شود هرآنچه به گذشته‌ای پیشاانقلابی مرتبط است را از سر راه برداشت. ۳۰ مرداد ۵۹ روزنامه کیهان در صفحه فرهنگی خود

«عبور از جهنم» با عنوان انگلیسی «Breakthrough» نام اثری است به کارگردانی اندرو وی. مک لاکلن، در ژانر جنگی، درباره نبرد در نورماندی و شکست نیروهای نازی در این عملیات مهم تاریخ جنگ جهانی دوم. یعنی اساسا فیلم هیچ ارتباطی به کودتا ندارد و مساله تخلیه غرب اروپا از نیروهای متخاصم نازی است. از سوی دیگر، فیلم آمریکایی هم نبود؛ بلکه با سرمایه و لاف سی. هارنویگ، تهیه کننده آلمانی تهیه شد. هارنویگ در مقام یک آلمانی وفادار به آرمان‌های آلمان غربی، به سراغ چنین داستانی رفته بود. به عبارت ساده‌تر، گوینده این مصاحبه فاقد اطلاعات کافی درباره فیلم بوده و احتمالا براساس گزارش‌های تحویلی چنین حرف‌هایی زده است. البته در توجیه این حرف‌ها گوینده مدام مدعی است که «واژه مسئولیت در یک جامعه اسلامی در برابر خلق خدا و خدا مفهوم پیدا می کند.» اما حرفی درباره نظم در جامعه اسلامی به میان نمی آورد.

اما بزرگ‌گفت‌وگویی است که روزنامه درباره رضا انوری می پرسد و مصاحبه‌شونده ناشناس می گوید «او را شخصی مفسد و طاغوتی می شناسم؛ درحالی که فرهنگ و هنر بی‌دری در برابر ما از او حمایت می کند.» اما او سریع از انوری می گذرد و می گوید در مصادره سینماها بنیاد نقشی ندارد و همه چیز در انقیاد داستانی است و در نهایت بنیاد مدیریت این سالن‌ها را برعهده دارد. البته چهار دهه بعد مشخص شد مالکیت این سالن‌ها نیز در اختیار بنیاد است. برای نمونه سینما سینه‌موند که حالا نامش به قیام تغییر کرده است، بارها برای فروش یا واگذاری توسط بنیاد مستضعفان آگهی می‌شود. ولی جالب‌ترین بخش گفته‌ها جایی است که گوینده با صلاحیت‌دار دانستن بنیاد در مدیریت سالن‌ها می گوید «در قطعه‌نامه سمینار سینمایی که چندی پیش تشکیل شد نیز بر این مساله تاکید شده است.» به عبارتی تحریم کننده آن سمینار از مفاد قطعه‌نامه به نفع خود بهره می برد. در پایان هم چیزی می گوید که نشان می دهد برنامه بنیاد برای نفوذ در سینما طولانی مدت است. او هم از برگزاری کلاس‌های آموزشی می گوید و هم از جلب نظر فیلمسازان برای همکاری با بنیاد اما پرسش مهم این بود که بنیاد هنری مستضعفان چه بود و چه نسیتی با نهادی مشهورتر به نام بنیاد مستضعفان داشت. متأسفانه مستندات زیادی درباره این نهاد وجود ندارد، جز کتابی که کمتر دیده شده است: «خاطرات شفاهی سید حمید شاهنگیان.»

مدیر اسبق دفتر موسیقی وزارت ارشاد در این کتاب به چگونگی شکل‌گیری این بنیاد می پردازد که او به همراه علی زندی، خودجوش تصمیم می‌گیرند سینما شهر قصه و شهر فرنگ را مصادره کنند. زندی از فرار مالک یهودی سینما آگاه بوده و اولین مصادره منجر به مصادره دیگر سینماها می‌شود. شاهنگیان اعتراف می‌کند «به نظرم رسید که نیروهای انقلاب نباید منتظر باشند تا کسی دیگری بیاید و این وضعیت را اصلاح کند. هر کس هر کاری می‌توانست، باید در آن اوضاع انجام می‌داد. در آن شرایط، جز این هم نمی‌شد فکر کرد. تا می‌آمدیم سیستمی راه بیندازیم و سازوکاری ایجاد کنیم، کار از کار گذشته بود.» به عبارتی تیم شاهنگیان و زندی بدون دستور از نهادی دولتی یا حکومتی اقدام به چنین امری می‌کنند، هرچند شاهنگیان می‌گوید مهدی کلهر از این مساله آگاه بوده است. کلهر بعدها با استعفا نجفی، جایگزین او در امور سینمایی می‌شود.

شاهنگیان در بخشی از این خاطره می‌گوید تصمیم بر آن شد «خودمان گروهی تشکیل بدهیم و برویم سراغ سازماندهی سینماها. اسم این گروه شد بنیاد هنری مستضعفان. گروه هیچ ارتباطی با بنیاد مستضعفان نداشت.» اگرچه بعد از مدتی کار گروه ما به قدری بالا گرفت و گسترش پیدا کرد که یک تنه داشتیم کار بنیاد را انجام می‌دادیم. گروه تشکیل شد و ما به دنبال محلی برای دفتر گروه بودیم. به عبارت دیگر، حرکت این گروه که حمید یگانه نیز بدان افزود شده بود چنان بالا می‌گیرد که در امور دولتی نیز دخالت می‌کنند. اما به این نتیجه رسیدیم که این سینماها خوراک می‌خواهند. حضرات دلال هم که فیلم می‌آوردند، فهمیدند که دیگر کار سینماها به دست بنیاد افتاده است، بنابراین می‌آمدند آنجا. مسامکاتانی را در بنیاد ایجاد کرده بودیم. کارمان بازبینی فیلم‌ها بود و اگر لازم می‌شد سانسورشان می‌کردیم. بعد، فیلم‌ها را بین سینماها تقسیم می‌کردیم. ارکان اول، ارکان دوم و ارکان شهرستان داشتیم. آنها به زودی گروه بازبینی و سانسور را بی‌نظر نجفی راه می‌اندازند و اقدام به واردات فیلم می‌کنند. آنها حتی چیزی شبیه دانشکده راه می‌اندازند و این بنیاد با این حجم کار، «کل بنیاد، سه نفر مدیر داشت.» بی‌گمان مصاحبه روزنامه کیهان نیز با یکی از این سه نفر بوده است که به زودی قدرت دولتی می‌یابند.

بنیاد هنری مستضعفان: تولید مجدد فیلم سینمایی به زودی شروع می‌شود

کمیته‌های ارزشیابی آثار سینمایی در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تشکیل شده است. این کمیته‌ها وظیفه بررسی و تصویب پروانه‌های نمایش فیلم‌های خارجی را دارند. در این راستا، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی اعلام کرده است که تولید مجدد فیلم‌های سینمایی به زودی شروع می‌شود. این اقدام در راستای احیای صنعت سینمای ایران و حمایت از تولیدات داخلی صورت گرفته است. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی اعلام کرده است که پروانه‌های نمایش فیلم‌های خارجی که قبلاً توقیف شده بودند، مجدداً بررسی و تصویب خواهد شد. این تصمیم در راستای تقویت اقتصاد سینمای ایران و حمایت از تولیدات داخلی صورت گرفته است.

این اقدام در راستای احیای صنعت سینمای ایران و حمایت از تولیدات داخلی صورت گرفته است. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی اعلام کرده است که پروانه‌های نمایش فیلم‌های خارجی که قبلاً توقیف شده بودند، مجدداً بررسی و تصویب خواهد شد. این تصمیم در راستای تقویت اقتصاد سینمای ایران و حمایت از تولیدات داخلی صورت گرفته است.

مصاحبه فرد ناشناس بنیاد هنری مستضعفان